

www.ketab.ir

Le Très-bas
Christian Bobin

آن فروترین

زندگی فرانسوآی قدیس

نویسنده: کریستیان بوبن
ترجمه از فرانسوی: طیبه هاشمی

www.ketab.ir

-
- سرشناسه:
عنوان و نام پدیدآور:
مشخصات نشر:
مشخصات ظاهری:
شابک:
وضعیت فهرست نویسی:
یادداشت:
موضوع:
موضوع:
شناسه افزوده:
رده بندی کنگره:
رده بندی دیویی:
شماره کتابشناسی ملی:
- بوبن، کریستیان، ۱۹۵۱- م. Bobin, Christian
آن فروترین / کریستیان بوبن؛ ترجمه از فرانسوی طیبه هاشمی.
تهران: افکار جدید، ۱۳۹۹.
۱۰۸ ص. ۲۱/۵ × ۱۴/۵۱، س. م
۹۷۸-۹۶۴-۲۲۸-۱۸۹-۳
لیبا
عنوان اصلی: Le Très-bas, c1992.
فرانچسکو آسجری قدیس، ۱۱۸۲- ۱۲۲۶ م. [Francis, of Assisi, Saint]
زندگی مذهبی (مسیحیت) [Christian life]
هاشمی، طیبه، ۱۳۵۵-، مترجم
BV۲۵۰۲
۲۴۸/۴
۷۳۴۰۸۱۹
-



افکار جدید

آن فروترین زندگی فرانسوآی قدیس

کریستیان بوبن
ترجمه از فرانسوی: طیبیه هاشمی
مجموعه‌ی رویای آسمان - ۲

نمونه خوان: سروین هنرور
ناظر فنی چاپ: مینا مغانلو
صفحه‌آرا: سیده سمانه حسن‌زاده
چاپ و صحافی: پرریس دانش

شمارگان: ۳۰۰ نسخه
نوبت چاپ: اول، ۱۴۰۱
شابک: ۹۸-۹۸-۷۳۵۶-۶۲۲-۶۷۸

نشانی: تهران، خیابان نواب صفوی شمال، نبش آذربایجان، جنب ایستگاه
متروی نواب، برج گردون، ورودی شمال، طبقه‌ی نهم، واحد ۹۰۳
کدپستی: ۱۳۱۹۶۵۳۸۸۶
تلفن دفتر و دورنگار: ۰۲۱۶۶۳۸۳۳۱۸

حق چاپ برای ناشر محفوظ است.

 nashraefkar@gmail.com
 @nashrafkar
 nashraefkar
 Fidibo.com/nashraefkar
 Taaghche.ir/nashraefkar



نشر افکار

۵۰۰۰۰ تومان

فهرست

۱	سخنی در باب ترجمه‌پذیری متن ادبی
۱۳	برادرمان، فرانسوآی اسیزی
۱۹	پرسشی که از پاسخش مأیوس می‌شود
۲۷	وانگهی قدیمی نیست
۳۵	شیرینی عدم
۴۱	لیکورن، سمندر، جیرجیرک
۴۷	واژگانی چند پرسایه
۵۵	نگاهم کن، دارم می‌روم
۶۳	چهارهزارسال و خرده‌ای
۷۱	برادرم خر
۷۹	خیمه‌ی زنان، خنده‌ی خدا
۸۵	این قدیم خدا
۹۱	می‌گویید دوستم دارید و کدرم می‌کنید
۹۹	تصویر ملوث، تصویر مقدس

سخنی در باب ترجمه‌پذیری متن ادبی

یک. در جستجوی تراژدی و کمدی

در حکایت «تحقیق ابن رشد»^۱ نوشته‌ی خورخه لویس بورخس^۲، ابن رشد^۳ در کتابخانه‌ی خانهاش در قرطبه در اندلس مشغول نوشتن رساله‌ای علیه غزالی فقیه است. اما سایه‌ای بر او افتاده و خاطرش را کدر کرده است. روز گذشته دو واژه‌ی مشکوک او را در آستانه‌ی بوطیقا^۴ی ارسطو بازداشته. از آنجا که ابن رشد دو زبان یونانی و سریانی را نمی‌دانسته، بر ترجمه‌ای از ترجمه‌ای دیگر کار می‌کرده. عبدالفتاح کیلیطو^۵ می‌نویسد: «ما می‌دانیم که ابن رشد یونانی نمی‌دانست. نه یونانی و نه سریانی. می‌دانیم که بوطیقا نخست به سریانی ترجمه شده بود و از این زبان است که در قرن دهم به عربی ترجمه می‌شود. پس ابن رشد با ترجمه‌ای به زبان عربی سروکار داشته، پس می‌بایست به معادل این دو واژه به عربی برخورد کرده باشد.»

حکایت بورخس می‌گوید که ابن رشد به نسخه‌ی اسحاق بن

۱. با ترجمه‌ی طاهر نوکنده از زبان اسپانیایی به فارسی منتشر شده است.

2. Jorge Luis Borges

3. Ibn Rochd de Cordoue (Averroès)

4. Topiques

5. Abdelfattah Kilito

حونائین^۱ و ابوبشر ماتا^۲ مراجعه کرده و چیزی نیافته. ظاهراً باید نسخه‌ها به زبان عربی بوده باشند و اگر چنین بوده نیازی به معادل عربی نبوده. احتمالاً بر این نسخه‌ی عربی بوطیقا بوده است که ابن رشد تفسیر می‌نوشته. ابوبشر ماتا را از طریق توحیدی^۳ می‌شناسند. از دید توحیدی، ابوبشر ماتا همواره مست و طماع بوده و در این عوالم فلسفه می‌نگاشته. نزد توحیدی ابوبشر ماتا فیلسوف معتبری نیست. اوست که تراژدی را به مدح و کمدی را به لعن و مضحکه تبدیل کرده.

بورخسن در این حکایت دو بار ابن رشد را در برابر آنچه می‌جوید قرار می‌دهد اما ابن رشد هنر تأثر نمی‌شناخته، نمی‌دانسته تراژدی و کمدی کدام است. از لای نرده‌های مهتابی نگاه کرد، پایین در حیاط خلوت، چند کودک نیمه‌لخت مشغول بازی بودند. یکی، ایستاده بر شانه‌های دیگری پیدا بود نقش مؤذن را بازی می‌کرد. با چشم‌های بسته بانگ برداشت: «خدای دیگری نیست به جز خدا» آن یکی او را بی‌حرکت، روی شانه‌هایش نگه داشته بود و نقش مناره را داشت.

بار دوم در میهمانی شام فرج، عالم قرآن، همراه با ابوالقاسم العشری^۴، سیاح عرب تازه از مغرب بازگشته، وقتی میهمانان به آن سیاح التماس کردند تا چیزی شگفت تعریفشان کند، ابوالقاسم تعریف می‌کند: «شامگاهی تاجران مسلمان سین کالا مرا به

1. Ishaq ibn Hunayn

2. Abu Bishr Matta ibn Yunus

3. Abu Hayyân al-Tawhîdî

4. Abulcasim

خانه‌ی چوبی‌ی پر نقش و نگاری کشاندند. که در آن آدم‌های بسیار سر می‌کردند. شرح این خانه به وصف نمی‌گنجد. چون کمابیش تک‌اتاقی چار گوش بود با ردیف‌هایی از حجره‌ها یا مهتاب‌روها. یکی روی دیگری. در آن مغازه‌ها کسانی بودند که می‌خوردند و می‌آشامیدند و همچنین کف زمین و همچنین در بهار خوابی. کسانی که در این بهار خواب بودند تنبک و فلوت می‌نواختند، جدا از پانزده بیست نفری (با نقاب سرخ لاک‌ی) که نیایش می‌کردند، آواز می‌خواندند و گفت و گو داشتند. انگار زندانی بودند، و محبسی دیده نمی‌شد. می‌تاختند اما اسبی در کار نبود، می‌جنگیدند. اما تیغ‌ها نئین بود. می‌مردند و بعد از جا بلند می‌شدند.»

بورخس حکایت را چنین به پایان نزدیک می‌کند: ابن‌رشد مقید در محیط اسلام هیچ‌گاه نتوانست معنای لغت‌های تراژدی و کمدی را دریابد.

عبدالفتاح کیلیطو می‌نویسد: ابن‌رشد تفاوت را در همانندی، ادبیات یونانی را به عربی دید، به سوی دیگری رفت اما به خانه‌اش، به خویش بازگشت.

دو. داستایوفسکی بازیافته

ترجمه‌های داستایوفسکی^۱ از سال ۱۸۸۰ تا امروز در فرانسه عرضه شده‌اند. ترجمه‌ای از سال ۱۹۳۰ در قطع جیبی هنوز به فروش می‌رسد و ترجمه‌هایی از سال ۱۹۵۰ و ۱۹۷۰.